

بررسی توزیع فضایی فعالیت‌های پایه‌ای اشتغال زنان در بخش‌های اقتصادی کشور

حمید برقی*

استادیار دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه ریزی، دانشگاه اصفهان

یوسف قنبری

استادیار دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه ریزی، دانشگاه اصفهان

احمد حجاربان

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

منیره محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیای پزشکی دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف از این پژوهش شناخت فعالیت پایه‌ای و غیر پایه‌ای اشتغال زنان در بخش‌های عمده اقتصادی و همچنین توزیع فضایی آن‌ها در سطح کشور بود. جامعه آماری پژوهش ۳۰ استان کشور را در برمی‌گرفت که آمار و اطلاعات آن‌ها از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ استخراج شد و با استفاده از تکنیک ضریب مکانی (LQ) محاسبات انجام و تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت‌های زیادی در زمینه پایه‌ای بودن اشتغال زنان بین استان‌های کشور و در بخش‌های مختلف اقتصادی مشاهده می‌شود. در بخش‌های عمومی و خصوصی، استان‌های شمال غرب کشور با مقادیر ۱/۲۴ به عنوان استان‌های پایه‌ای و استان‌های سمنان و تهران با مقدار ۰/۷۶ استان‌های غیر پایه‌ای در زمینه اشتغال زنان شناخته شده‌اند. همچنین این وضعیت در بخش کشاورزی نشان دهنده آن است که ۵۶ درصد استان‌های کشور به عنوان استان‌های پایه‌ای هستند که استان ایلام با مقدار ۲/۱۳ بیشترین مقدار و استان قم با مقدار ۰/۰۵ کمترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند. در بخش صنعت ۴۳ درصد استان‌های کشور بالاتر از مقدار ۱ و در گروه نواحی صادرکننده نیروی کار زنان به حساب می‌آیند. در بخش خدمات نیز ۶۰ درصد استان‌های کشور دارای ضریب مکانی بالاتر از ۱ هستند که استان تهران با مقدار ۱/۵۹ و آذربایجان شرقی با مقدار ۰/۴۳ به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین در این گروه به حساب می‌آیند.

واژگان کلیدی

اشتغال، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، نیروی کار زنان، ضریب مکانی، استان‌های کشور

مقدمه

در همه جوامع نیروی کار از مهمترین عوامل تولید به شمار می‌رود و درآمد حاصل از آن همیشه بخش بزرگی از درآمد ملی هر کشور را تشکیل می‌دهد. نظر به این که جوامع مختلف در زمان رشد سریع اقتصادی به نیروی کار نیاز دارند و زنان نیز نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، جمعیت زنان باید بخشی از نیروی کار مورد نیاز جامعه را تأمین کنند. بدون تردید نیروی کار زنان در توسعه اقتصادی کشورها نقشی مهم دارد و به همین دلیل کشورهای پیشرفته در روند صنعتی شدن به طور مداوم بر نرخ مشارکت زنان در تولید افزوده‌اند. به طور کلی در خصوص میزان اشتغال زنان در سطح جهان باید گفت که در کشورهای مختلف دنیا سهم مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی تفاوت زیادی با یکدیگر دارند (علویون، ۲۵، ۲۴: ۱۳۸۴).

آنتروپولوژی (انسان‌شناسی) زن در رابطه با کار و خلق ابزارها در عصر مادر تباری مبین آن است که پایه‌های تقسیم کار، علوم طبیعی، ابزارهای ظریف و شیوه‌های علمی تولید برگرفته از خرد و عقلانیت زن در آن عصر است. برتری‌نگری و پست‌نگری جنسیتی در جوامع سنتی و در حال گذار و ایجاد محدودیت در اشتغال زنان، به کندی تکامل اجتماعی منجر شده و حقوق توسعه اجتماعی را دچار خلل کرده است (آملی، ۱۳۸۸).

در بسیاری از کشورها معمولاً کارهای خانگی و کارهای بدون مزد خانوادگی زنان جزء فعالیت‌های اقتصادی محاسبه نمی‌شود (علویون ۲۰: ۱۳۸۴).

یکی دیگر از هنجارهای جوامع برای زنان تشکیل خانواده و ایفای نقش مادری و همسری است که به ویژه در جوامع سنتی آزادی عمل را برای نقش‌های اکتسابی از آن‌ها سلب می‌کند. غیر از مسائل درونی خانواده، طیف وسیعی از مشکلات، موانع و تبعیض‌هایی هم در عرصه اشتغال زنان وجود دارد که از جمله؛ دستمزد پایین، سواد کم، نیروی جسمی ضعیف، مسئولیت خانه داری و تربیت فرزند، فقدان ثبات شغلی و شرایط نامساوی برای استخدام و... است، اما امروزه در بسیاری از کشورها از جمله ایران تمهیدات دولت برای زنان شاغل و سهل کردن شرایط کاری آن‌ها و اشتغال به کارهای تخصصی با مزد بالاتر و امکانات رفاهی بیش‌تر مشوق کار آن‌ها خواهد بود. (سفیری ۱۳۷۷: ۱۲۹-۱۳۳)

اهداف پژوهش: ۱- تعیین اندازه‌گیری وضعیت اشتغال زنان در استان‌های کشور



۲- شناسایی موانع توسعه‌ای و غیر توسعه‌ای در اشتغال زنان.

اهمیت موضوع: امروزه، اهمیت اشتغال و نیروی انسانی ماهر و متخصص معلوم است و توجه به مسأله اشتغال نیروی عظیم زنان که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و نیز بررسی جامعه شناختی آن‌ها بسیار مهم به نظر می‌رسد. نقش زنان عمدتاً در برنامه‌های ملی و بین‌المللی، در رابطه با نحوه مواجهه با مقاطع بحران اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری در مناطق در حال پیشرفت نادیده گرفته شده است. بنابراین، آن‌ها می‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سهم بوده و با کسب آموزش در جهات مختلف، از جمله حرفه، در بالا بردن سطح تولید و بهره‌وری بیش‌تر از نظر اقتصادی و رشد و توسعه کشور سهم به‌سزایی را داشته باشند (سفیری، ۱۳۷۷: ۷-۸-۱). زنان بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی را به‌طور رسمی و غیر رسمی انجام می‌دهند که چنانچه به استعدادهای بالقوه آن‌ها توجه شود، یکی از منابع سرمایه‌گذاری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌توانند باشند (سفیری، ۱۳۷۷: ۱۲۹).

مبانی نظری

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی کرد. در جهت این پویایی بی‌تردید زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت در توسعه جامعه تأثیری مستقیم دارند. (احمدی و یزدخواستی، ۱۳۸۶: ۲) مکرراً مشاهده شده است فعالیت‌هایی که نوعاً زنان انجام می‌دهند، به دلیل مشکلات روش‌شناسی در پژوهش‌ها، مشکلات اجرایی کار، مشکلات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی و نادیده گرفتن کار زنان در روش‌های جمع‌آوری اطلاعات آماری، به‌طور منظم از آمار نیروی کار و درآمد ملی خارج می‌شود.

مشکل محاسبه کار زنان به‌ویژه در دو بخش حاد می‌شود: الف) کار در کارگاه‌های خانوادگی (بدون مزد) مانند فعالیت زنان روستایی در کشاورزی همچون مسئولیت مراقبت از دام‌ها و کارهای غیر زراعی مانند انبار کردن و بازاریابی محصولات و... ب) کارهای خانگی. این تمایز بین نیروی کار و نیروی غیرکاری که بر مفهوم تولید ملی مبتنی است. تعارض‌ها و اختلافات موجود در این زمینه را افزایش می‌دهد (علویون، ۱۳۸۴: ۲۰).

آنتروپولوژی (انسان‌شناسی) چهره‌اسطوره‌ای زن در رابطه با نقش فعال، سازنده و مبتکرانه در عصر مادر تباری نشانه ارزش محسوب شدن او در نظام کلان خانواده بود، لیکن به تدریج با هنجار شدن قدرت فیزیولوژیکی، زن به عنوان ابزاری محسوب و به حاشیه رانده شد. در کشور ما نقش زن در تولید خلاق اجتماعی یک قرن سابقه دارد و با وجود تمام مشکلات از هنگام آغاز مشارکت آن‌ها (انقلاب مشروطه) و پس از انقلاب به دلیل جنگ تحمیلی و فقدان امکان توسعه اقتصادی کشور، پس از جنگ رویکرد به تربیت کادرهای متخصص در برنامه‌های کلان، اشتغال زنان را تسهیل کرد تا جایی که ۳۰٪ جمعیت فعال کشور را دربرگرفت. (آملی، ۱۳۸۸) زنان در بازار کار از لحاظ نوع شغل، موقعیت اشتغال و میزان درآمد ناشی از کار با شرایط متفاوتی نسبت به مردان مواجه هستند.

این تفاوت‌ها بر اساس نظریه‌های نئوکلاسیک، تئوری تجزیه شدن بازار کار و تئوری جنسیتی به این شرح توجیه می‌شود:

۱- تئوری نئوکلاسیک قبل از هر چیز بر متغیرهایی مانند نیروی جسمی، مسئولیت خانوادگی و ساعات کار و... تأکید می‌کند که بر بهره‌وری کار مؤثر است.

۲- تئوری جدا سازی بازار کار که مشاغل اولیه را با مزد زیاد، ثبات شغلی و شرایط کاری خوب و... و مشاغل ثانویه را با محدودیت پیشرفت، تأمین کمتر و مزد کم و... فرض کرده و زنان را به دلیل تعویض و غیبت در شغل بیش‌تر در نوع دوم می‌داند.

۳- تئوری جنسیتی هم تبعیض زنان را مبنی بر تعلق کارخانه به او و تربیت فرزندان و تبعیت از مردان می‌داند (کار، ۱۳۷۳: ۲۲).

عوامل مؤثر بر سهم زنان در نیروی کار: الف) عوامل اقتصادی: ۱- تورم باعث می‌شود زنان در مقام نان‌آور دوم، به ویژه در میان طبقه با درآمد پایین، وارد صحنه فعالیت و کار شوند که این خود بر میزان مشارکت و بی‌کاری و سطح دستمزدها مؤثر خواهد بود. می‌توان گفت: مهارت تورم به مفهوم مهار یکی از عوامل مؤثر بر ورود زنان به بازار کار است (علمی، ۱۳۸۳: ۳۶) ۲- توزیع درآمد: هر چه توزیع درآمد نابرابرتر باشد، برای حمایت از سطح واقعی مصرف خانوار، زنان اقدام به فعالیت اقتصادی بیرون از خانه خواهند کرد. ۳- نقش دولت: نظارت دولت بر اقتصاد مانع تبعیض مردان نسبت به زنان می‌شود. کاهش تصدی دولت و خصوصی سازی، با توجه به حجم وسیع زنان تحصیل کرده در بخش عمومی در ایران،



می‌تواند در اشتغال زنان تأثیرگذار باشد. ۴- میزان بی‌کاری: بی‌کاری بالاتر موجب دل‌سردی زنان از جستجوی شغل می‌شود. ۵- سطح دست‌مزد زنان: سطح دست‌مزد باید هزینه‌های فرصت، ماندن در خانه و امور خانه‌داری را جبران کند. ۶- شرایط اجتماعی و اقتصادی خانوار و میزان دست‌مزد همسر: اگر شرایط اقتصادی و اجتماعی خانوار بهتر باشد، زنان کمتر به درآمد‌های کاری وابسته‌اند. هر چه دست‌مزد همسر بالاتر باشد، هزینه فرصت از دست‌رفته برای او بالاتر است. در این صورت تقسیم‌کاری به وجود می‌آید و زن در امور خانه و مرد وارد فعالیت اقتصادی می‌شود. (عمادزاده، ۱۳۸۲: ۱۴۱-۱۱۵).

ب) عوامل جمعیت‌شناختی: ۱- میزان باروری: افزایش میزان باروری عامل بازدارنده زنان از فعالیت‌های خارج از خانه است (هادیان و حیدر پور، ۱۳۷۸: ۲۵).

اسپریگ طی پژوهش‌هایی به این نتیجه رسید که بین نرخ مشارکت زنان و نرخ باروری رابطه معکوس وجود دارد (اسپریگ^۱، ۱۹۹۸: ۷۰۰-۶۸۲). ۲- آموزش و تحصیلات: میزان آموزش و تحصیلات بالاتر زنان احتمال بیش‌تر شغل‌یابی آن‌ها را فراهم می‌کند. گرچه گرایش زنان برای تمرکز در مشاغل خاص موضوعی جهانی است (دیکسون و انکر^۲، ۱۹۸۸)، در بسیاری از جوامع سنتی نوع فعالیت‌های مردانه و زنانه صریحاً معین شده است و انواع خاص وظایف اغلب به طور انحصاری در اختیار مردان یا زنان است (اهمن^۳، ۱۹۸۵). هر چند تفاوت‌های ملاحظه‌پذیری در حاکمیت و گسترش تبعیضات شغلی بر اساس عوامل اجتماعی - اقتصادی در میان جوامع مختلف به چشم می‌خورد (بانرجی^۴، ۱۹۸۵: ۱۴۸)، اما این محدودیت‌رشته‌های تحصیلی و استخدام موجب شده تا زنان در برخی از رشته‌های تخصصی خصوصاً مهندسی ساختمان، متالورژی و... رغبتی نشان نداده و جایگاه آن‌ها در چنین مشاغلی دچار خلاء شود.

ج) عوامل فرهنگی: از جمله موانع فرهنگی می‌توان به تفاوت و تبعیض درفرآیند اجتماعی شدن زن و مرد، حاکم شدن تفکر مرد سالاری در جامعه و از جمله عوامل اجتماعی می‌توان

-
1. Sprague
 2. Dixon & Anker
 3. Ahmen
 4. Banerjee

به تفکیک جنسیتی آموزشی، قوانین ناظر بر خانواده، وجود تبعیض در ساختار اشتغال و نحوه گزینش نیروی کار اشاره کرد (توکلی والا، ۱۳۸۵: ۲).

د) قوانین رسمی و قواعد اجتماعی: در این مورد اگر حقوق زنان در قبال مالکیت اموال، تقسیم ارث، تعیین همسر، تصمیم‌گیری در خانواده و انتخاب شغل، قوانین مرتبط با اشتغال زنان در جامعه و سیاست‌های دولتی موافق با گسترش اشتغال زنان باشد، تسهیلات لازم در به‌کارگیری زنان در مشاغل مهیا می‌شود (محمودیان، ۱۳۸۲: ۱۹۲).

ه) عوامل اجتماعی: از جمله می‌توان به تفکیک جنسیتی آموزشی، سیاست‌های محدود کننده در انتخاب رشته تحصیلی و شغل برای دختران، قوانین ناظر بر خانواده، قوانین کار، وجود تبعیض در ساختار اشتغال ایران و نحوه گزینش نیروی کار تقسیم جنسی مشاغل زنانه و مردانه اشاره کرد (توکلی والا، ۱۳۸۵: ۳).

در دهه اخیر شرکت‌های خدماتی و بازرگانی نوین با رویکرد به اشتغال زنان و عدم اعطای حقوق قانونی مصرحه در قانون کار، در شرایط اجتماعی نابرابر، کار فرمایان را مخیر کرده تا به اراده خود به اخراج آن‌ها مبادرت ورزند که در این راستا تقاضای بیش از حد اشتغال و فقدان امکان ایجاد آن موجب اطاعت کورکورانه از کارفرمایان شده است (آملی، ۱۳۸۸).

زنان و مدیریت: جنسیت یک عامل مهم و تعیین کننده برای طبقه بندی در سازمان‌ها و محل کار محسوب می‌شود. در پاسخ به ارزش‌های نهادینه شده به وسیله محیط اجتماعی، سازمان‌ها به زنان اجازه می‌دهند که در موقعیت‌ها و پست‌های مدیریتی و سرپرستی قرار گیرند. (کومو^۱، ۱۹۹۲: ۴۴۸).

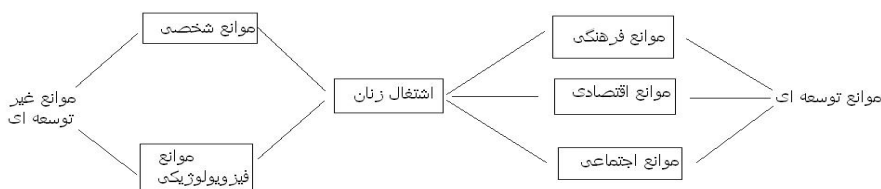
اگرچه زنان در سال‌های اخیر نسبت به گذشته از شانس بیشتری برای مدیریت برخوردار هستند، اما سازمان‌ها هنوز هم در راه نگهداشتن آن‌ها با مشکلاتی مواجه می‌شوند. این مشکلات به سقف شیشه‌ای مرتبط است. که ممکن است برای زنان یأس و ناامیدی همراه آورد (دن گلینو، ۱۹۸۷: ۳۶). منظور از سقف شیشه‌ای محدودیت‌های افقی، اما رویت ناپذیر در حیطه عمومی و شاید حوزه خصوصی خانواده‌هاست که زنان با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند (تپرمن، ۱۹۹۰: ۲۴۱).

دستگاه‌های اجرایی کشور هم به جای اتخاذ سیاست‌های مطلوب در این زمینه قوانینی وضع

می‌کنند که سنخیتی در رفع تبعیض علیه زنان و تثبیت پایگاه اجتماعی آن‌ها ندارد. از اساسی‌ترین راهکارها برای برون رفت از این معضل، تشکیل سازمان‌های غیر دولتی حمایت از اشتغال زنان در سطح ملی و منطقه‌ای است تا نسبت به رفع معضلات موجود برای حفظ استقلال و هویت آن‌ها اقداماتی انجام شود. زنان بدون تشکیلات در امحاء تبعیض توفیق نخواهند یافت (آملی، ۱۳۸۸).

موانع اشتغال زنان: اصولاً بر سر راه اشتغال زنان موانعی وجود دارد که از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بررسی می‌شود که از دیدگاه توسعه اقتصادی در مقیاس کلان می‌تواند تأثیر گذار باشد.

در کل برخی از موانع توسعه‌ای و برخی غیر توسعه‌ای است. نمودار زیر نشان‌دهنده تأثیر این موانع بر اشتغال زنان است. (سفیری، ۱۳۷۷: ۸۸)



نقش زنان در توسعه صرفاً معطوف به زنان شهری نمی‌شود، بلکه توسعه روستا تا حدود زیادی در بخش کشاورزی، دام و صنایع دامی، صنایع دستی روستایی با دامنه وسیع آن، صنایع غذایی و فعالیت‌های خدماتی با گستردگی آن در دست زنان است. (لهسایی زاده، ۱۳۷۴).

توسعه زمانی تحقق می‌یابد که تمامی افراد جامعه در آن شرکت داشته باشند. از سال ۱۹۷۰ توجهات جهانی و پروژه‌های پژوهشی به سمت زنان جلب شده، اعلام سال ۱۹۷۵ به عنوان «سال جهانی زن» و در پی آن اعلام «دهه زن» از سوی سازمان ملل توجه جهانیان را به نقش انکارناپذیر زن در توسعه جلب کرد، و انگیزه‌های لازم را در سازمان‌های بین‌المللی برای رفع تبعیض به وجود آورد (صالح نسب، ۱۳۷۸).

هر چند در سال‌های اخیر پیشرفت‌هایی در جهت احقاق حقوق زنان شاغل حاصل شده است، اما هنوز راهی طولانی در پیش است. عوامل ایجاد تبعیض میان زنان و مردان باید بر طرف گشته و تساوی این دو به رسمیت شناخته شود. رسیدن به این هدف دور از دسترس

نیست و باید در تمامی برنامه‌های اجتماعی و فردی تعقیب شود (علویون، ۱۳۸۴: ۲۸۲)

پیشینه پژوهش

ملک زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقش‌ها» به بررسی و شناخت عوامل مؤثر و موانع مشارکت زنان و تعیین نقش این قشر از جامعه در اقتصاد کشور اقدام کرده است.

نیکو برش راد (۱۳۸۵) در مقاله خود تحت عنوان «نگرش به اشتغال زنان در مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه»، وضعیت مشارکت اقتصادی زنان در جامعه را از دیدگاه تضادها و تعارض‌های موجود بررسی کرده است. او در این مقاله تأکید کرده است که به علت نیاز اقتصادی، زنان باید فشار مضاعفی را در زمینه انجام‌دادن امور و وظایف خود متحمل شده که این امر در تربیت فرزند و خانواده تأثیر نامطلوبی خواهد گذاشت.

دادور خانی (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان «توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان»، به این نتیجه رسیده است که از بین عوامل مؤثر بر اشتغال زنان، عامل درآمد خانواده، طبقه اجتماعی، سواد و انزوای جغرافیایی بیشترین اثر را داشته است. در واقع این عوامل از سهم و نقش اشتغال زنان کاسته است.

سفیری در رساله دکترای خود با عنوان «بررسی جنبه‌های کمی و کیفی اشتغال زنان و رابطه آن با توسعه اقتصادی» بخشی از مسائل و مشکلات اشتغال زنان را حاصل موانع توسعه‌ای - که به ساختار کشورها باز می‌گردد - دانسته و بخشی را معلول موانع غیر توسعه‌ای می‌داند. از جمله موانع توسعه‌ای، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی را می‌توان نام برد (سفیری، ۱۳۷۳: ۷۸).

نوفل (۱۳۷۶) موانع اشتغال زنان را به سه دسته: موانع فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و فردی - شخصیتی تقسیم کرده است. در بخش موانع فرهنگی - اجتماعی به نگرش منفی جامعه (خانواده و همسر) میزان تحصیلات همسر و درصد رقیبان مرد در مقابل زنان اشاره می‌کند (نوفل، ۱۳۷۶: ۴).

الیوت و هاپرت درباره بیماری و سلامت، همبستگی‌های موجود بین سلامت بدنی و روانی، اشتغال و وضعیت والدین در نمونه‌ای از زنان متأهل انگلیسی پژوهش انجام دادند.



گرچه اشتغال به کار در خارج از خانه احتمالاً اثرات متفاوتی بر زنان بر حسب اختلاف آن‌ها در تعهدات خانوادگی دارد، اما لازم است تا با انجام‌دادن یک رشته تجزیه و تحلیل‌های بیش‌تر همبستگی بین اشتغال با درآمد و اوضاع خانوار نیز به حساب آید (همان: ۲۰).

ساروخانی در پژوهش‌های خود درباره اشتغال زنان در میان نمونه ۱۰۲۰ نفری از زنان به این نتیجه دست یافت که ۳۶/۵ درصد از زنان مورد پژوهش موافق مطلق اشتغال زن، ۲۷ درصد مخالف مطلق و ۳۲/۳ درصد موافق مشروط اشتغال زنان بوده‌اند. ۵۷ درصد از زنان موافق اشتغال زنان، دلیل خود را کمک اقتصادی به خانه دانسته‌اند. ۴۰ درصد نیز دلایل روانی، اعتبار اجتماعی و اشتغال زن را مطرح کرده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۷۸-۱۷۵).

در پژوهشی که فائو در سه کشور تایلند، نیجریه و سوریه انجام داد، پژوهش‌گران به این نتیجه رسیدند که کشاورزان زن از نظر دسترسی به منابع مالی و اعتباری، در سه کشور نیجریه، سوریه، ترینیداد به ترتیب ۱/۸، ۳/۷۵ و ۱/۲۵ درصد، دسترسی اندکی به منابع مالی داشته‌اند، ولی در تایلند ۶۱/۲۵ درصد از زنان از منابع مختلف (اقوام یا واسطه‌ها) برای فعالیت‌های کشاورزی پول گرفته‌اند. نکته جالب این‌که درصد کمی از زنان تایلندی (۳/۷ درصد) و ترینیداد (۱/۲۵ درصد) برای فعالیت‌های کشاورزی از بانک‌های کشاورزی وام گرفته‌اند (موحدی، ۱۳۸۱: ۴-۱۱).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و به لحاظ روش توصیفی و تحلیلی و جامعه آماری آن شامل ۳۰ استان کشور بود. در این پژوهش با استفاده از نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۷، وضعیت اشتغال زنان در نقاط شهری و روستایی، زیر بخش‌های عمده اقتصادی:

کشاورزی: شامل کشاورزی، شکار، جنگل‌داری و شیلات.

صنعت: شامل استخراج معدن، صنعت، ساختمان، تأمین آب و برق و گاز

خدمات: شامل عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری، موتور سیکلت و کالاهای شخصی و خانگی، هتل و رستوران، حمل و نقل، انبارداری، ارتباطات، واسطه‌گری‌های مالی، مستغلات و اجاره و فعالیت‌های کسب و کار آموزشی، بهداشت و

مددکاری اجتماعی، سازمان‌ها و هیئت‌های برون مرزی، دفاتر مرکزی، خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت‌های تفکیک ناپذیر خانواده، اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی اجباری و همچنین بخش خصوصی شامل کار فرمایان، کارکنان مستقل، مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی، کارکنان فامیلی بدون مزد و بخش عمومی (مزد و حقوق بگیران بخش عمومی) بررسی شد.

برای تحلیل اطلاعات و تعیین و شناسایی وضعیت اشتغال پایه‌ای و غیر پایه‌ای موارد بالا از مدل ضریب مکانی (LQ) استفاده شده است همچنین محاسبات مربوطه با نرم افزار ۱۲ minitab انجام شد و نتایج به دست آمده به صورت نمودار نمایش داده شده و با استفاده از GIS نیز اطلاعات به صورت نقشه تهیه شده است.

روش ضریب مکانی LQ

در این مقاله به منظور تعیین فعالیت پایه‌ای وضعیت اشتغال زنان استان‌های کشور از شاخص ضریب مکانی LQ استفاده شده است. این روش برای شناسایی نیروی کار پایه در مناطق مختلف به کار می‌رود و از معروفترین نظریه‌های رشد اقتصاد پایه‌ای است. این نظریه بر تفکیک فعالیت‌های پایه‌ای تأکید خاص دارد و بقیه فعالیت‌ها غیر پایه‌ای تلقی می‌شود. مدل LQ از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$LQ = \frac{\frac{e_i}{\sum e_1}}{\frac{E}{\sum E_1}}$$

که در آن:

LQ: ضریب مکانی

e: تعداد نیروی کار شاغل در بخش i در نواحی

E: تعداد نیروی کار شاغل در بخش i در کل کشور

$\sum e$: تعداد کل نیروی کار موجود در نواحی

$\sum E$: تعداد کل نیروی کار موجود در کل کشور



در صورتی که این نسبت بزرگ‌تر از یک باشد، فعالیت پایه‌ای محسوب می‌شود و منجر به صدور نیروی کار از آن بخش می‌شود. در صورتی که LQ کوچک‌تر از یک باشد، فعالیت غیر پایه‌ای است، به نحوی که آن بخش وارد کننده نیروی کار است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۳: ۶۸).

به هر حال شاخص LQ که به طور معمول برنامه‌ریزان اقتصاد منطقه‌ای آن را به کار می‌برند وقتی معنا دارد که برای مقایسه بین مناطق مختلف و تعیین توانمندی‌های هر منطقه به کار گرفته شود. در واقع چون LQ گرایش‌های تخصصی هر مکان و زمینه‌های مستعد برای توسعه را ترسیم می‌کند، بهتر آن است که این معیار برای وضعیت اشتغال بخش‌های مختلف اقتصادی یک کشور محاسبه و ارزیابی شود. لذا در این مقاله وضعیت نیروی کار در نقاط شهری و روستایی، بخش‌های عمومی و خصوصی و همچنین در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات به طور عمیق بررسی شده است.

وضعیت اشتغال زنان در کشور

به لحاظ جنس در سال (۱۳۸۷) ۵۰/۵ درصد مرد و ۴۹/۵ درصد زن بوده است که نسبت جنسی برابر ۱۰۲ به دست می‌آید به عبارت دیگر در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن ۱۰۲ نفر مرد وجود داشته است.

- در سال ۱۳۸۷ ۸۴/۶ درصد از جمعیت کل کشور در سن کار (۱۰ ساله و بیشتر) بوده اند. وضعیت سواد برای جمعیت فعال زنان ۷۹/۱ درصد باسواد و ۲۰/۹ درصد بی سواد بوده‌اند و برای جمعیت بیکار ۹۹٪ باسواد و ۱٪ بی سواد بوده‌اند.

- در سال ۱۳۸۷ نرخ مشارکت اقتصادی (چند درصد از جمعیت در سن کار فعال یعنی شاغل یا بیکار هستند) برای زنان ۱۳/۶ درصد محاسبه شده است که این رقم در نقاط شهری ۱۱/۷ و در نقاط روستایی ۱۸٪ بوده است.

- همچنین جمعیت شاغل در سن ۲۴-۱۵، ۱۹/۶، ۴۴-۲۵، ۵۹٪ و ۶۴ تا ۴۵، ۲۱/۴٪ بوده است.

- نرخ بیکاری در میان زنان ۱۶/۷ بوده که در مردان ۹/۱٪ بوده است که در نقاط شهری ۲۲/۹ و در نقاط روستایی ۷٪ است

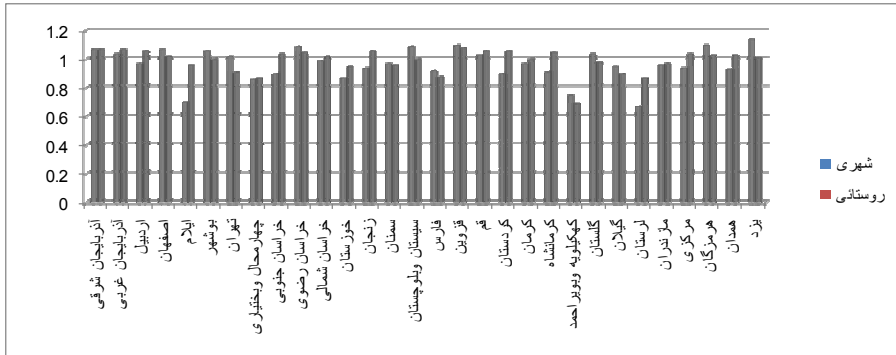
— در جامعه زنان ۷۵/۵ در بخش خصوصی و ۲۴/۵ درصد در بخش عمومی بوده‌اند.
 — میزان اشتغال در بخش کشاورزی ۳۰/۶ در بخش صنعت ۲۷/۳ و در بخش خدمات ۴۱/۹٪ بوده است.

جمعیت ۱۰ساله و بیش‌تر زن ۲۹۸۸۵۱۲۲ که غیر قابل فعال از نظر اقتصادی ۲۵۸۲۶۹۱۹ و جمع فعالین اقتصادی ۴۰۵۸۲۰۳ که از این مقدار ۳۳۸۱۳۴۴ شاغل و ۶۷۶۸۵۸ نفر بیکار هستند. نرخ اشتغال ۸۳/۳ و نرخ جمعیت دارای اشتغال ناقص ۳/۵ است

یافته‌های پژوهش

وضعیت اشتغال زنان در استان‌های کشور براساس آخرین آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۷ استخراج و براساس فرمول ضریب مکانی (LQ) محاسبه شد. نتایج به دست آمده براساس بخش‌های زیر تفکیک و تجزیه و تحلیل شده است:

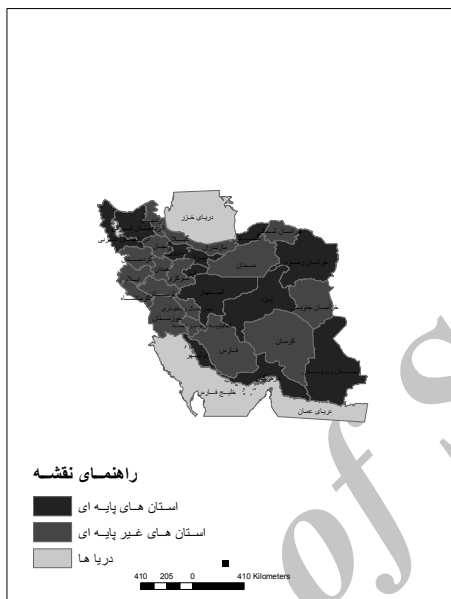
الف) نقاط شهری و روستایی: همان‌گونه که در جدول (۱) نشان داده شده است استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، بوشهر، تهران، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، قزوین، قم، گلستان، هرمزگان و یزد در نواحی شهری جزء فعالیت‌های پایه‌ای و صادرکننده نیروی کار به نواحی مجاور خود محسوب می‌شوند. در این میان بالاترین ضریب مکانی با مقدار ۱/۱۴ مربوط به استان یزد و پایین‌ترین مقدار در این قسمت مربوط به استان تهران با مقدار ۱/۰۲ است. همچنین در نقاط شهری بسیاری از استان‌ها با مقدار کمتر از یک در گروه استان‌های واردکننده نیروی کار به حساب می‌آیند. در نقاط روستایی از جمله استان‌هایی که بالاترین مقدار مکانی را دارند شامل آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، خراسان جنوبی، رضوی و شمالی، زنجان، قزوین، قم، کردستان، کرمانشاه، مرکزی، هرمزگان، همدان و یزد هستند که در این میان استان قزوین با مقدار ۱/۰۸ بالاترین ضریب را به خود اختصاص داده است. در نقاط روستایی سه استان کرمان، سیستان و بلوچستان و بوشهر با کسب ضریب ۱ جزء نواحی خودکفا در زمینه اشتغال زنان محسوب می‌شوند. همچنین ۱۱ استان با کسب مقادیر کمتر از ۱ جزء استان‌های واردکننده نیروی کار زنان در کشور به حساب می‌آیند که در نمودار (۱) و نقشه‌های (۱) و (۲) به تفکیک استان نمایش داده شده است.



نمودار ۱ وضعیت شاخص ضریب مکانی اشتغال زنان در نقاط شهری و روستایی در استان‌های کشور



نقشه ۱: پراکنندگی فضایی فعالیت‌های پایه‌ای در نقاط شهری

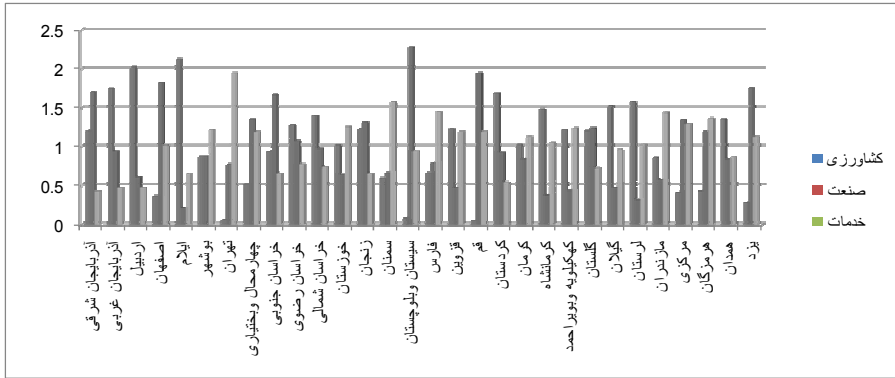


نقشه ۲: پراکندگی فضائی فعالیت های پایه ای در نقاط روستایی

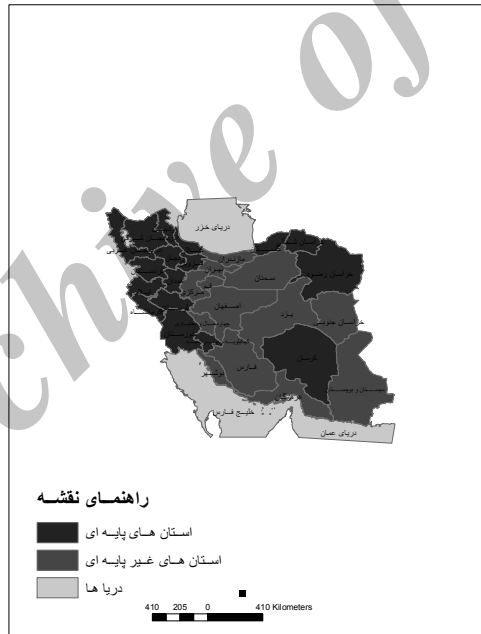
ب) بخش کشاورزی، صنعت و خدمات: جدول (۲) نتایج مربوط به اشتغال زنان در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات را نشان داده است. در بخش کشاورزی ۵۶٪ از استان های کشور جزء نواحی صادر کننده نیروی کار هستند که استان ایلام با مقدار ۲/۱۳ بیش ترین مقدار و استان قم با مقدار ۰/۵ و سیستان و بلوچستان با مقدار ۰/۸ کم ترین مقدار را در بین استان های کشور دارا هستند.

در بخش صنعت نیز ۴۳٪ از استان های کشور بالاتر از یک هستند که استان سیستان و بلوچستان با مقدار ۲/۲۸ بیشترین و استان ایلام نیز کمترین مقدار ضریب مکانی را دارند.

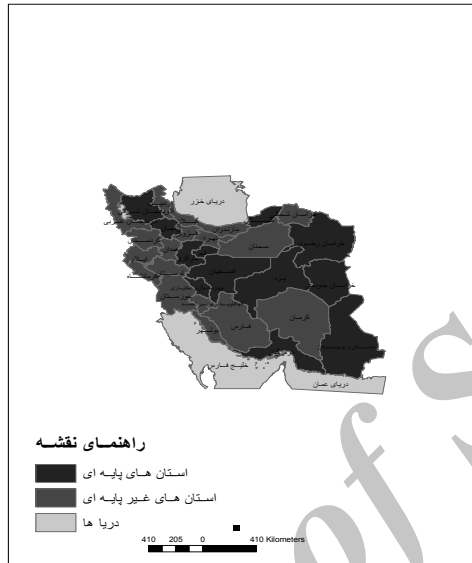
همچنین در بخش خدمات ۶٪ از مناطق کشور دارای ضریب مکانی بالاتر از یک و جزء نواحی صادر کننده نیروی کار هستند که استان تهران با مقدار ۱/۹۵ و استان آذربایجان شرقی با مقدار ۰/۴۳ به ترتیب بالاترین و پایین ترین مقادیر را به خود اختصاص داده اند. که نمودار (۲) و نقشه های (۳) و (۴) و (۵) نتایج به دست آمده را نشان می دهند.



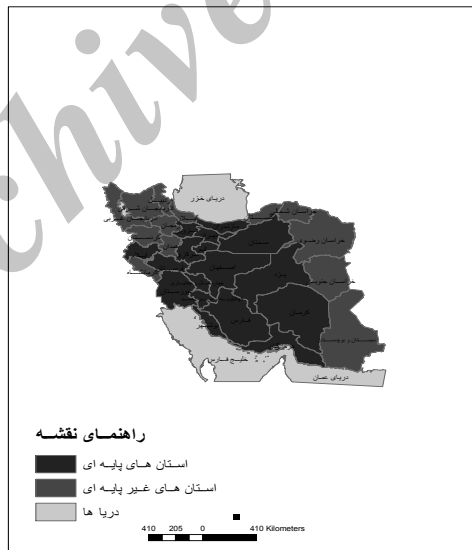
نمودار ۲: وضعیت شاخص ضریب مکانی اشتغال زنان در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات در استان‌های کشور



نقشه ۳: پراکندگی فضایی فعالیت‌های پایه‌ای بخش کشاورزی



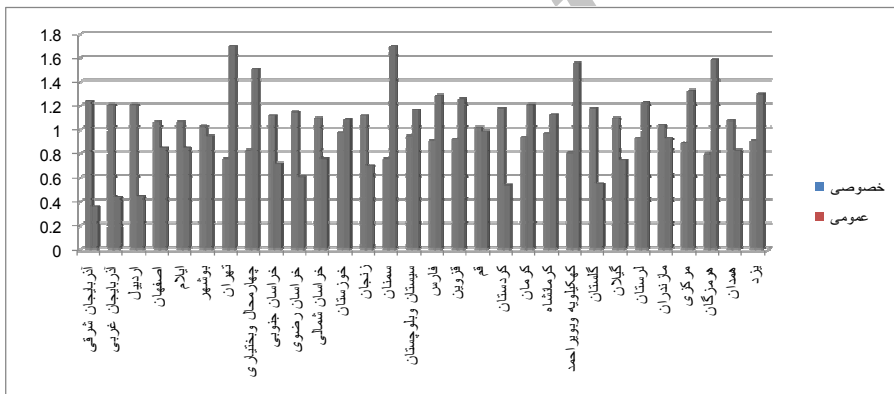
نقشه ۴: پراکندگی فضایی فعالیت‌های پایه‌ای بخش صنعت



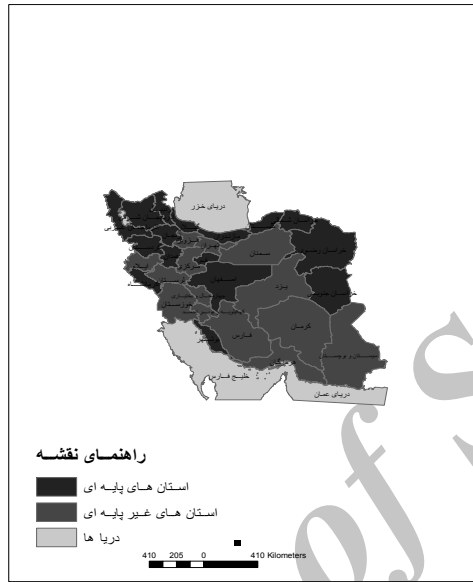
نقشه ۵: پراکندگی فضایی فعالیت‌های پایه‌ای بخش خدمات



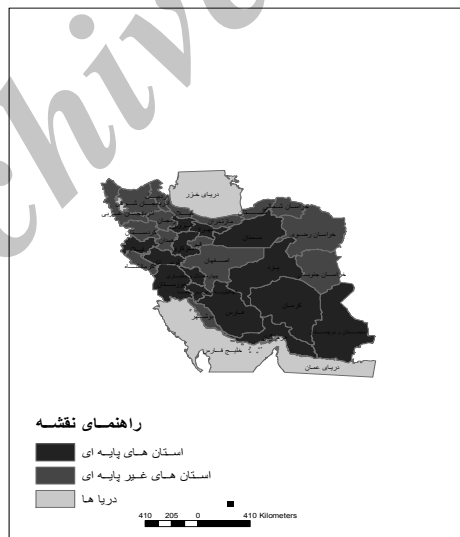
ج) بخش عمومی و خصوصی: با استفاده از نتایج جدول (۳) وضعیت اشتغال زنان به تفکیک بخش‌های عمومی و خصوصی به صورت زیر بیان می‌شود: در بخش خصوصی ۱۶ استان ضریب بالاتر از یک دارند که بالاترین ضریب مکانی مربوط به استان‌های آذربایجان شرقی غربی و اردبیل با مقادیر ۱/۲۴ و ۱/۲۱ و پایین‌ترین ضریب مربوط به استان‌های سمنان و تهران با مقادیر ۰/۷۶ است. همچنین در بخش عمومی ۱۵ استان دارای ضریب بالاتر از یک بودند که در این بین استان سمنان و تهران با ضریب ۱/۷ بالاترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند. در بین استان‌های با مقدار ضریب کمتر از ۱، استان آذربایجان شرقی با ضریب ۰/۳۶ کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است که نمودار (۳) و جداول (۶) و (۷) نتایج را نمایش می‌دهد.



نمودار ۳: وضعیت شاخص ضریب مکانی اشتغال زنان در بخش عمومی و خصوصی در استان‌های کشور



نقشه ۶: پراکندگی فضائی فعالیت‌های پایه‌ای بخش عمومی



نقشه ۷: پراکندگی فضائی فعالیت‌های پایه‌ای بخش خصوصی



جدول ۱: مقادیر ضریب مکانی اشتغال زنان در نقاط شهری و روستایی به تفکیک استان‌های کشور

شهری	روستایی	استان
۱/۰۷	۱/۰۷	آذربایجان شرقی
۱/۰۴	۱/۰۷	آذربایجان غربی
۰/۹۷	۱/۰۶	اردبیل
۱/۰۷	۱/۰۲	اصفهان
۰/۷	۰/۹۶	ایلام
۱/۰۶	۱	بوشهر
۱/۰۲	۰/۹۱	تهران
۰/۸۶	۰/۸۷	چهارمحال و بختیاری
۰/۹	۱/۰۴	خراسان جنوبی
۱/۰۹	۱/۰۵	خراسان رضوی
۰/۹۹	۱/۰۲	خراسان شمالی
۰/۸۷	۰/۹۵	خوزستان
۰/۹۴	۱/۰۶	زنجان
۰/۹۷	۰/۹۶	سمنان
۱/۰۹	۱	سیستان و بلوچستان
۰/۹۲	۰/۸۸	فارس
۱/۱	۱/۰۸	قزوین
۱/۰۳	۱/۰۶	قم
۰/۹	۱/۰۶	کردستان
۰/۹۷	۱	کرمان
۰/۹۱	۱/۰۵	کرمانشاه
۰/۷۵	۰/۶۹	کهگیلویه و بویراحمد
۱/۰۴	۰/۹۸	گلستان
۰/۹۵	۰/۹	گیلان
۰/۶۷	۰/۸۷	لرستان
۰/۹۶	۰/۹۷	مازندران
۰/۹۴	۱/۰۴	مرکزی
۱/۱	۱/۰۳	هرمزگان
۰/۹۳	۱۰۳/	همدان
۱/۱۴	۱/۰۱	یزد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۲: مقادیر ضریب مکانی اشتغال زنان در بخش‌های عمده اقتصادی به تفکیک استان‌های کشور

کشاورزی	صنعت	خدمات	استان
۱/۲	۱/۷۱	۰/۴۳	آذربایجان شرقی
۱/۷۵	۰/۹۵	۰/۴۸	آذربایجان غربی
۲/۰۳	۰/۶۱	۰/۴۸	اردبیل
۰/۳۷	۱/۸۳	۱/۰۲	اصفهان
۲/۱۳	۰/۲۱	۰/۶۶	ایلام
۰/۸۸	۰/۸۸	۱/۲۲	بوشهر
۰/۰۶	۰/۷۵	۱/۹۵	تهران
۰/۵۲	۱/۳۶	۱/۲	چهارمحال و بختیاری
۰/۹۴	۱/۶۷	۰/۶۶	خراسان جنوبی
۱/۲۸	۱/۰۸	۰/۷۸	خراسان رضوی
۱/۴	۰/۹۸	۰/۷۴	خراسان شمالی
۱/۰۲	۰/۶۵	۱/۲۶	خوزستان
۱/۲۳	۱/۳۲	۰/۶۶	زنجان
۰/۶	۰/۶۷	۱/۵۸	سمنان
۰/۰۸	۲/۲۸	۰/۹۵	سیستان و بلوچستان
۰/۶۷	۰/۷۹	۱/۴۵	فارس
۱/۲۳	۰/۴۸	۱/۲	قزوین
۰/۰۵	۱/۹۵	۱/۲	قم
۱/۶۹	۰/۹۳	۰/۵۵	کردستان
۱/۰۳	۰/۸۴	۱/۱۳	کرمان
۱/۴۹	۰/۳۸	۱/۰۶	کرمانشاه
۱/۲۲	۰/۴۴	۱/۲۴	کهگیلویه و بویراحمد
۱/۲۱	۱/۲۴	۰/۷۳	گلستان
۱/۵۳	۰/۴۸	۰/۹۷	گیلان
۱/۵۸	۰/۳۲	۱/۰۳	لرستان
۰/۸۶	۰/۵۸	۱/۴۴	مازندران
۰/۴۱	۱/۳۵	۱/۳	مرکزی
۰/۴۳	۱/۲	۱/۳۷	هرمزگان
۱/۳۶	۰/۸۴	۰/۸۷	همدان
۰/۲۸	۱/۷۶	۱/۱۳	یزد

مآخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۳: مقادیر ضریب مکانی اشتغال زنان در بخش‌های عمومی و خصوصی به تفکیک استان‌های

کشور (۱۳۸۷)



استان	عمومی	خصوصی
آذربایجان شرقی	۰/۳۶	۱/۲۴
آذربایجان غربی	۰/۴۴	۱/۲۱
اردبیل	۰/۴۵	۱/۲۱
اصفهان	۰/۸۵	۱/۰۷
ایلام	۰/۸۵	۱/۰۷
بوشهر	۰/۹۵	۱/۰۳
تهران	۱/۷	۰/۷۶
چهارمحال و بختیاری	۱/۵۱	۰/۸۳
خراسان جنوبی	۰/۷۲	۱/۱۲
خراسان ضوی	۰/۶۱	۱/۱۵
خراسان شمالی	۰/۷۶	۱/۱
خوزستان	۱/۰۹	۰/۹۸
زنجان	۰/۷	۱/۱۲
سمنان	۱/۷	۱/۷۶
سیستان و بلوچستان	۱/۱۷	۰/۹۵
فارس	۱/۲۹	۰/۹۱
قزوین	۱/۲۶	۰/۹۲
قم	۰/۹۹	۱/۰۲
کردستان	۰/۵۴	۱/۱۸
کرمان	۱/۲۱	۰/۹۴
کرمانشاه	۱/۱۳	۰/۹۷
کهگیلویه و بویر احمد	۱/۵۶	۰/۸۱
گلستان	۰/۵۵	۱/۱۸
گیلان	۰/۷۵	۱/۱
لرستان	۱/۲۳	۰/۹۳
مازندران	۰/۹۳	۱/۰۴
مرکزی	۱/۳۳	۰/۸۹
هرمزگان	۱/۵۹	۰/۸
همدان	۰/۸۳	۱/۰۸
یزد	۱/۳	۰/۹۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه گیری

نیروی کار به عنوان مهمترین عوامل تولید، همواره در دست یابی به رشد سریع اقتصادی در جوامع مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نیروی کار زنان به عنوان نیمی از جمعیت هر جامعه نیز در این روند تأمل برانگیز و جالب توجه است، لذا امروزه نرخ مشارکت

زنان در تولید به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه در جهان شناخته شده است. در این مقاله به نحوی توزیع نیروی کار زنان کشور از بُعد منطقه‌ای و بخشی پرداخته شده است که در این راستا وضعیت اشتغال زنان با استفاده از فرمول ضریب مکانی (LQ) بر مبنای پایه‌ای یا غیرپایه‌ای بودن در بخش‌های عمده اقتصادی و به تفکیک استان‌ها مشخص شد. نیروی کار زنان در بخش کشاورزی عمدتاً در مناطق شمال غرب و غرب و شمال شرق به عنوان فعالیت پایه‌ای شناخته شده هستند. به گونه‌ای که این مناطق می‌توانند صادر کننده نیروی کار کشاورزی در بخش زنان به نواحی دیگری در برنامه‌ها و مدیریت‌های کلان کشور به حساب آیند. این پراکنش در بخش صنعت عمدتاً در نواحی شرقی و مرکزی مشاهده می‌شود. این مناطق بیش‌تر استان‌هایی را دربرمی‌گیرد که دارای پتانسیل ارسال نیروی کار صنعتی به نواحی دیگر هستند. مناطق مرکزی و جنوبی کشور به عنوان صادر کننده نیروی کار خدماتی در بخش زنان شناخته شده هستند. در واقع به دلیل تمرکز قطب‌های شهری بزرگ و همچنین تراکم خدمات و امکانات زیربنایی این بخش از کشور چنین ویژگی را دارد. بررسی کار زنان در کشور در بخش شهری عمدتاً در نواحی مرکز، شمال غرب، جنوب و جنوب شرق به عنوان فعالیت پایه‌ای شناخته شده هستند، در صورتی که این پراکنش برروی نقاط روستایی بیش‌تر در نواحی غرب، شمال غرب و شمال شرق دیده می‌شود. همچنین در بخش روستایی مناطق جنوب شرق به عنوان مناطق خودکفا از نظر نیروی کار زنان روستایی قابل بررسی هستند. نیروی کار زنان در بخش عمومی از نظر پراکنش فضایی تقریباً بر عکس بخش خصوصی است. به گونه‌ای که در نواحی جنوب و جنوب شرق بخش عمومی در زمینه عرضه نیروی کار پایه‌ای زنان پیش‌تاز است، در حالی که در بخش خصوصی نواحی شمال غربی و شمال شرقی در عرضه نیروی کار زنان پیش‌تاز هستند.



پیشنهادات

۱. تخصیص اعتبارات بیش‌تر و هدایت سرمایه‌گذاری‌ها بر روی بخش‌های عمده اقتصادی در استان‌هایی که به عنوان فعالیت غیرپایه‌ای شناخته شده‌اند.
۲. توجه ویژه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاری ملی و منطقه‌ای با توجه به فعالیت‌های پیشرو در استان‌ها به منظور افزایش اشتغال زنان در زمینه پژوهش اهداف برنامه‌های توسعه کشور.
۳. تدوین سیاست‌های حمایتی و اشتغال‌زایی در هر یک از استان‌ها براساس اولویت در عرضه نیروی غیر پایه‌ای زنان.

Archive of SID

منابع

- آملی، احمد، (۱۳۸۸). *اشتغال زنان*، تهران، مرکز اطلاعات و آمار ایران.
- توکل‌لی والا، ژاله، (۱۳۸۵). *بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان ایران در دهه‌های اخیر*. دفتر مرکزی خبرگزاری زنان ایران.
- حکمت‌نیا، حسن و موسوی میرنجف، (۱۳۸۳). *کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای*، یزد. علم نوین.
- دادورخانی، فضیله، (۱۳۸۵). *توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان*. مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۵، ص ۸۸۸-۱۷۱.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: سروش.
- سفیری، خدیجه، (۱۳۷۳). *بررسی جنبه‌های کمی و کیفی اشتغال و رابطه آن با توسعه اقتصادی*. پایان نامه دوره دکترا، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- سفیری، خدیجه، (۱۳۷۷). «جامعه‌شناسی اشتغال زنان»، چاپ اول، پژمان.
- صالح‌نسب، غلام‌حسین، (۱۳۷۸). «نقش زنان در توسعه کشاورزی»، مجله جهاد، شماره ۳.
- علمی، زهرا، (۱۳۸۳). «سیاست‌های اقتصادی کلان و بازار کار در ایران»، پژوهش زنان، ش ۲، دوره ۲، صص ۲۳-۱۷.
- علویون، سید محمد رضا، (۱۳۸۴). «کار زنان در حقوق بین‌المللی کار»، چاپ دوم، روشنگران و مطالعات زنان.
- عمادزاده، مصطفی، (۱۳۸۳). *اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان*، پژوهش زنان، ش ۵، سال اول، صص ۱۴۰-۱۱۵.
- کار، مهر انگیز، (۱۳۷۳). *زنان در بازار کار ایران*. چاپ اول، روشنگران.
- محمودیان، حسین، (۱۳۸۲). *بررسی مشارکت زنان در نیروی کار و استان‌ها در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۱۵*، مجله نامه علوم اجتماعی، ش ۲۱، صص ۲۱۸-۱۸۹.



- ملک زاده، فهیمه، (۱۳۸۷). «نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقش‌ها، فصلنامه فقر و حقوق خانواده، شماره ۴۹، ص ۶۷.
- موحدی، رضا، (۱۳۸۱). «کشاورزان زن و اثر بخشی فعالیت‌های ترویجی. جهاد، ش ۲۴۸-۲۴۹.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۷). *سالنامه آماری کشور*. سازمان آمار کشور.
- نوفل، مینو سادات، (۱۳۷۶). «تأثیر اشتغال زنان بر اجتماعی شدن فرزندان»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- نیکو برش راد، فرزانه، (۱۳۸۵). «نگرش به اشتغال زنان در مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۹، ص ۸۷.
- هادیان، ابراهیم و حیدر پور علی، (۱۳۷۸). « توسعه اقتصادی و سهم زنان در نیروی کار»، فصلنامه جمعیت، ش ۲۸-۲۷، صص ۳۰-۲۰.
- Ahmen, (1985). *Technology and rural women: conceptual and economical georgic all and unwin*, London.
- Banerjee, (1995). *Women's work and discrimination*, new delhi : 148.
- Dixon & Anker, (1988). *Assessing women's economic contribution to development*, I. L. O.: Geneva.
- Nkomo, s.m, (1992). The Emperor has no clothes: Rewriting "Race in organizations", *Academy of management review*, vol 17, No. 3, pp: 487-513.
- Sprague, A, (1988). "Post war Fertility and Female Labor Force Participation Rates", *economic journa*, 98.
- Tepperman Iorne & Rosenberg Michael, (1998). *Macro/micro: a Brief Introduction to sociology*, 3rd, Canada, prentice Hall.
- Von Glinow M.A., (1988). "women in corporate America: A caste of Thousands", *New management*, vol.6, wol, pp :36-42.

نویسندگان

Email: barghi@ltr.ui.ac.ir

حمید برقی

استادیار دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه ریزی، دانشگاه اصفهان
دانش آموخته دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران. پژوهش‌های او در
زمینه مسائل برنامه‌ریزی روستایی، اشتغال روستایی، اقتصاد روستایی، چالش‌های موجود
در بخش‌های اقتصادی مناطق روستایی است. او دارای بیش از ۸ مقاله در نشریات
پژوهشی، ۳ طرح پژوهشی و ۱۰ مقاله در کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی است.

Email: y.ghanbari@ltr.ui.ac.ir

یوسف قبری

استادیار دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه ریزی، دانشگاه اصفهان
دانش آموخته دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان. پژوهش‌های او در
زمینه مسائل توسعه روستایی، اشتغال و چالش‌های آن در میان زنان و جوانان روستایی،
مدل‌های اقتصاد روستایی، چالش‌های موجود در بخش‌های اقتصادی مناطق روستایی
است. او مدیر گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان بوده و بیش از ۱۰
مقاله در نشریات پژوهشی، ۷ طرح پژوهشی و ۱۵ مقاله در کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی
دارد.

احمد حجاریان

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان
پژوهش‌های او در زمینه جغرافیای انسانی، جمعیت و مسائل مربوط به آن بوده و مقالاتی
در زمینه‌های فوق دارد.

منیره محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیای پزشکی دانشگاه اصفهان
پژوهش‌های او در زمینه جغرافیای انسانی، مسائل جغرافیایی زنان روستایی بوده و مقالاتی
در زمینه‌های فوق دارد.